



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۱۱/۲۸

رفعت حسینی

تذکاری در مورد شعری منسوب به سلیمان لایق

من در دو نگاهشته جداگانه خویشتن، این شعر سلیمان لایق را:

«ای زمینت خاک بیجان جملگی جان گشته است
 کلبه تاریک دهقانان چراغان گشته است
 از نبرد حزب پیشآهنگ و اردوی جوان
 ز بر فرمان امین، کشور گلستان گشته است
 اگر امین فاتح شد از شاگردی و مهر توشد
 او بملت گفت کارش از تو سامان گشته است
 این جهان ، این کره خاکی چنین هرگز ندید
 این چنین مشکل که با عقل تو آسان گشته است
 کارگر را از تو در کشور غرور و افتخار
 خان و خائن از تو مرعوب و هراسان گشته است
 آنکه میگریذ روزی بر غریب و بینوا
 رفته در یک گوشه و از ترس پنهان گشته است
 ظالم و استمگر و خونخوار و جلادان ده
 از تف تیغ تو با وجدان و انسان گشته است
 بزگر بی توشه را پروردگار توشه ده
 نا امید بی زمین دارای پلوان گشته است
 خصم گر منکر بود از معجزات هفت ثور
 او تهی از جوهر مردی و وجدان گشته است
 روشن از شمع تو شد ویرانه تار قرون
 هر طرف بینی که مهر ثور تابان گشته است
 دستگاه جور دولت ، آله استمگران
 از قدمت یار و دمساز ضعیفان گشته است
 توده زحمکش این مرز و بوم باستان

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

از دل و جان انقلابت را ثناخوان گشته است
از شعار نان و کالا، خانه و دشت سواد
غمگسار قرن‌ها خندان و رقصان گشته است
زنده بادا پیشوای داهی زحمتکشان
این شعار مرد و زن در خاک افغان گشته است
لائق من نیست در عصر تو زندانی شوم
شاعر از سوءتفاهم مات و حیران گشته است
۱۰/۱/۱۳۵۸
کابل»

انتشار داده بودم.

و بنابر آگاهی خود در زمینه، بر اساس معلومات نشر شده چند پرچمی مشهور، نگاشته بودم که این شعر را، سلیمان لایق، در مدح نورمحمد تره کی و حفیظ الله امین سراییده بوده است.
اکنون غزلی لایق، پسر سلیمان لایق، پس از انتشار دومین نگاشته ام در ین برگه، در پیام خویش به من چنین نگاشته است:

... «حسینی صاحب بزرگوار،

این سروده چند سال پیش، زمانی که من با باند کارمل در جدال رسانه‌یی بودم از کدام ناکجا آبادی وارد پرخاش‌ها گردید تا گویا مرا مات کرده باشند. این شیوه همیشه‌گی همین مدرسه و معلم کبیر شان بوده است. پاسخ پدرم به پرسش من چنین بوده که وی هیچ خاطرمی در ذهن نه داشته که گاهی در زندان از وی خواسته باشند تا چنین شعری در وصف تره‌کی/امین بسراید. وی از سرودن این شعر بی‌خبر بوده است. و حتی هرگاه به چنین دناستی هم مجبور می‌گردید، به یقین که تره‌کی/امین را به زبان پشتو مورد ثنا قرار می‌داد. سبک و شیوه سروده هم بیگانه با شیوه نگارش لایق است. این سروده در هیچ اثر فارسی لایق به چشم نه می‌خورد. ممکن شما آگاهی داشته باشید که جعل‌کاران کارملی با فرومایه‌گی چندی پیش از نام زنده‌یاد بارق شفیع‌ی نیز سروده‌یی را به جواب شعر لایق مهندسی نموده و از نام بارق شفیع‌ی روی برگه‌های رسانه‌یی به نمایش گذاشتند. این جعل از جانب پسر زنده‌یاد بارق با شدت تکذیب گردید. از لایق چهار اثر شعری به زبان فارسی چاپ و نشر گردیده است و در این چاپ شده‌ها این سروده دیده نه می‌شود. بهتر است آنانی که بار نخست این شعر را رسانه‌یی ساخته اند، از منبع و مرجع خویش نام ببرند تا سبب چنین لغزش‌ها نه گردد.
شاد باشید!»

مطلب را به منظور آگاهی خوانندگان و علاقمندان درین جا گنجانیدم.